

تاریخ‌نگاری محلی در دوره مغول و شاخصه‌های آن
محمدعلی چلونگر* / مهدی احمدی اختیار** / بهمن زینعلی***

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۵

چکیده

مورخان محلی تحت تأثیر انگیزه‌ها و عواملی چون حب وطن، فضیلت‌نگاری، استقلال‌طلبی، توصیه حکام و فرمانروایان محلی، درخواست حکومت مرکزی، خواهش دوستان و علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ، و علایق علمی و مذهبی به نگارش و تدوین تواریخ می‌پرداختند. ضرورت‌های پرداختن به این امر هم مواردی مانند ارضای حس وطن‌دوستی، تهیه متون علمی و مذهبی برخی مراکز آموزشی، پاسخگویی به رقابت‌ها و هم‌اوردطلبی‌های محلی، تعیین و تنظیم مالیات‌ها، حفظ و نگهداری اوقاف، و مسائلی از این دست بود. در این میان تواریخ محلی دوره مغول هم کم‌وبیش تحت تأثیر مسائل و ضرورت‌های مزبور به رشته تحریر درآمدند. باین‌حال مورخان محلی این عصر در نگارش و نگرش خود تا حدودی در برخی از زمینه‌ها شیوه متفاوتی را در پیش گرفتند و آثار متفاوتی را تولید کردند که در این پژوهش بدان پرداخته خواهد شد.

بنابراین این، مقاله به دنبال یافتن پاسخی برای این قبیل پرسش‌هاست. مورخان محلی دوره مغول با چه انگیزه‌هایی دست به نگارش می‌زدند؟ مسائل و موضوعات مطرح شده در تواریخ محلی دوره مغول تحت تأثیر چه ضرورت‌هایی صورت گرفته است؟ مخاطبین این آثار چه کسانی بودند؟ و به‌طورکلی برای تاریخ‌نگاری محلی در دوره مغول چه شاخصه‌هایی را می‌توان در نظر گرفت؟
تحقیق حاضر از نوع پژوهش‌های تاریخی و روش تحقیق آن ترکیبی از روش‌های توصیفی-روایی و تحلیلی می‌باشد.

کلید واژه: تاریخ‌نگاری محلی، دوره مغول، تواریخ محلی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*. استاد تاریخ دانشگاه اصفهان M.chelongar@yahoo.com

** . دانشجوی دکترای تاریخ محلی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) mea.ah1388@yahoo.com

***. مدرس دانشگاه اصفهان bahman.zeinali@gmail.com

مقدمه

تاریخ‌نگاری محلی یکی از اقسام رایج تاریخ‌نگاری در ایران به شمار می‌رود که سابقه آن را می‌توان در ایران عهد ساسانی مشاهده نمود. شاهد اصلی این ادعا نوشته کوچکی از دوره ساسانی به نام "شهرستان‌های ایرانشهر" می‌باشد. پس از فروپاشی ساسانیان در ایران دوره اسلامی نیز این سنت کماکان تداوم یافت. از قرن چهارم به بعد توجه به این نوع از تاریخ‌نگاری با جدیت بیشتری دنبال شد و آثار ارزشمندی به رشته تحریر درآمد. اما هجوم مغول به‌رغم پیامدهای ویرانگر و مخرب، یک عصر طلایی را در زمینه تاریخ‌نگاری در ایران بر جای گذاشت. دلیل آن هم حوادث و اتفاقات مهمی بود که به دنبال این یورش به وقوع پیوست و سرنوشت تاریخ را در مسیر جدیدی انداخت. حوادثی مانند برافتادن دولت‌های خوارزمشاهیان، اسماعیلیان، و خلافت دیرپای عباسی هر کدام به تنهایی برای مورخان ایران و جهان اسلام وقایع بزرگ و مهمی به شمار می‌رفتند. از سوی دیگر علاقه مغولان به بقای نام خود و ثبت وقایع مربوط به آنان از دیگر اسباب رونق تاریخ‌نگاری در این عصر به شمار می‌رود.

در زمینه تاریخ‌نگاری محلی نیز در دوره مغول رسالات و کتب متعددی به نگارش درآمد که کمک شایانی در بازسازی وقایع تاریخی عصر مغول ایفا نموده‌اند. هرچند تواریخ محلی دوره مغول از نظر محتوا و سبک نگارش تا حدود زیادی تداوم سنت‌های پیش از خود می‌باشد، با این حال از شاخصه‌های متمایزی نیز برخوردار است. مقاله حاضر بر آن است تا ضمن معرفی تاریخ‌های محلی که در دوره مزبور به نگارش درآمده‌اند، ویژگی‌های این آثار را نیز بررسی نموده و مسائل و موضوعاتی مانند بیان ساختار و

محتوا، انگیزه نویسندگان، مخاطبین و جایگاه نویسندگان تاریخ‌های محلی دوره مغول را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

تعریف تاریخ‌نگاری محلی

به‌طور مشخص تاریخ‌نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدود یک محل (شهر، ایالت، ناحیه) اطلاق می‌گردد و به باور عده‌ای ذیل تاریخ ملی قرار می‌گیرد. پژوهشگران وابسته به مکتب تاریخ‌نگاری انگلیس، به‌ویژه دانشگاه لستر^۸، در اواخر دهه ۱۹۵۰م بر این باور بودند که تاریخ‌نگاری محلی مطالعه پیدایش، رشد و انحطاط جوامع است و آن را جدا از تاریخ ملی نداشتند. اما کارول کامنت^۹ با نقد تعریف فوق بر این باور است که تاریخ‌نگاری محلی تنها بخشی از تاریخ ملی نیست بلکه مطالعه حوادث گذشته گروهی از مردم در منطقه جغرافیایی خاص است که بر طیف گسترده‌ای از شواهد مستند، پایه‌گذاری شده و در بستری مقایسه‌گونه به مطالعه منطقه‌ای و ملی می‌پردازد (کامنت، ۱۹۳۷: ۴). صرف نظر از دو نگاه فوق باید گفت که تاریخ‌نگاری محلی به‌رغم تمرکز جغرافیایی محدودش طیف گسترده‌ای از نیازها شامل تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یک جامعه و مذهب و ذهنیت آن را پوشش می‌دهد. تاریخ‌نگاری محلی گستره‌ای است که در آن عکس‌العمل‌های افراد به حوادث دنبال می‌شود و عرصه‌ای است که در آن می‌توان تحقیقات عملی، آمار و نفوس را به انجام رساند. تاریخ‌نگاری محلی نگارش احوال کسانی است که به حساب نیامده‌اند. حوزه تاریخ‌نگاری محلی جایی است که در آن می‌توان صدای زن‌ها را شنید. اطلاعاتی راجع به بزرگ کردن کودکان به‌دست آورد و سؤالاتی راجع به

8. University of Leicester.
9. Carol Kammen.

بازگو شده است. از این گذشته، این متن به چهره‌هایی گاه تاریخی و گاه افسانه‌ای اشاره دارد که شهرهای گوناگون و کانون کارهایشان را پی افکنده‌اند. در این اثر جغرافیایی حدود ۱۱۲ شهر در محدوده ایران ساسانی به صورت مشخص با نام بنا نهنده آن و حدود ۵۴ شهر بدون نام مورد اشاره قرار گرفته است (پار شاطر و دیگران، ۱۳۷۷: ۷۸۱).

اهمیت تاریخ‌های محلی

تاریخ‌های محلی از آن جهت حایز اهمیت‌اند که آگاهی‌های موجود در آنها اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی خاص هستند، به همین جهت در قیاس با تاریخ‌های عمومی، عمدتاً حاوی آگاهی‌های دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند. درست به همین جهت است که هریک از تاریخ‌های محلی را می‌باید در حکم پایه و ستونی فرض کرد که تنها با وجود آنها می‌توان خیمه تاریخ عمومی کشوری را بر فراز آن افراشت. یا به تعبیر دیگر، می‌توان تاریخ عمومی یک کشور را در حکم جدولی دانست که خانه‌های آن را تاریخ‌های محلی می‌سازند.

بررسی و معرفی تواریخ محلی عهد مغول در

ایران

الف. تاریخ سیستان (۷۲۵-۴۴۵ق)

تاریخ سیستان از جمله تواریخ محلی است که وضعیت و مقدرات آن ایالت را در کنار شرح تفصیلی تاریخ سیاسی و نظامی دودمان صفاریان به تصویر کشیده است. به نوشته ملک‌الشعراى بهار، مصحح تاریخ سیستان، این کتاب حدوداً بین سال‌های ۴۴۵ق تا ۷۲۵ق و توسط سه نفر تألیف شده است (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶، مقدمه بهار: د). نگاه مؤلفان آن تاریخ‌نگاری در طول

تعلیم و تربیت، اوقات فراغت و خلوت آنها پرسید. بنابراین تاریخ‌نگاری محلی مطالعه سرگذشت مردم است و نه سرگذشت حکومت‌ها. بدون شک وجه اصلی و مشخصه تاریخ محلی، پیوند آن با یک عرصه جغرافیایی محدود و مشخص است. عناصر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی در تعیین و تشخیص آن دارای تقدم نیستند و همگی مؤخر بر عامل جغرافیایی واقع می‌شوند.

آغاز تاریخ‌نگاری محلی در ایران

برخی بر این عقیده‌اند که آغاز تاریخ‌نگاری محلی در ایران را باید در دوران اسلامی جستجو نمود (روزنتال: ۱۳۶۶، ۱۸۵-۱۸۳؛ فنوت: ۱۳۸۷، ۱۹). نویسندگانی که درباره آغاز تاریخ‌نگاری در عصر اسلامی، اظهار نظر کرده‌اند سده سوم هجری به بعد را زمان نگارش این گونه کتب دانسته‌اند. به نظر این نویسندگان، تا پیش از این تاریخ، زمینه‌های نگارش چنین آثاری در قلمرو اسلام شکل نگرفته بود. آنان چند زمینه و انگیزه را برای نگارش این تاریخ‌ها برشمردند: رشد شهرها، تمایل به تجزیه‌طلبی (مصطفی، ۱۹۸۳: ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۱) به وجود آمدن احساس شهر وطنی و تشویق حکمرانان سلسله‌های محلی (آژند، ۱۳۸۰: ۲۸۳).

به‌رغم این تفاسیر باور این است که سابقه تاریخ‌نگاری محلی در ایران به دوران پیش از اسلام یعنی زمان ساسانیان برمی‌گردد. در باب صحت این ادعا می‌توان به دو نوشته مختصری که از عصر ساسانی به یادگار مانده است، استناد نمود. این دو اثر عبارت‌اند از: *شهرستان‌های ایران‌شهر و عجایب سگستان*. *شهرستان‌های ایران‌شهر*، متن فارسی میانه کوچکی است که در پایان دوره ساسانی نوشته شده و در آن نام شهرهای گوناگون ایران‌شهر (سرزمین ایرانیان)

بوده و به سه قلم متفاوت نوشته شده است. هر قسمت از این کتاب نشانگر تحولات سیاسی و اجتماعی و ادبی دوره‌های خاص می‌باشد.

قسمت اول کتاب - که یک سوم حجم کتاب را دربرمی‌گیرد - در زمان ابوالفضل نصرین‌احمد (متوفی ۴۶۵ق)، ملقب به تاج‌الدین، امیر سیستان، تألیف شده و در آن رویدادهای سیستان از تاریخ تشکیل آن تا ۴۴۸ق آمده است. مهم‌ترین مطالب قسمت اول عبارت است از توضیحاتی در باره عیاران (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۳۵۱-۳۵۰) و خوارج سیستان؛ نامه هارون‌الرشید به حمزه بن عبدالله (متوفی حدود ۲۱۳ق)، از رؤسای خوارج در سیستان، و پاسخ او به هارون که از گزارش‌های ممتاز و منحصر به فرد این کتاب است؛ مؤلف مطالب جدیدی درباره تسلط ترکان بر سیستان دارد (همان: ۱۴۵-۱۴۰، ۱۶۴-۱۶۲، ۱۶۸، ۳۵۴)؛ و شرح مفصّلی درباره امیران صفاری و فتوح آنان ارائه می‌دهد و برخلاف نوشته‌های مورخان دولت‌های رقیب مانند سامانیان و سلجوقیان و غزنویان - که به دشمنی با صفاریان پرداخته بودند - از آنان به نیکی یاد می‌کند (باسورت، ۱۳۷۸: ۲۳۱، ۲۳۵). بخش نخست تاریخ سیستان، به سبب ویژگی‌های تاریخی و ادبی آن، بی‌تردید ارزشمندترین بخش کتاب است.

قسمت دوم، ادامه وقایع از ۴۶۵ق تا ۶۹۵ق

۱. در تاریخ‌نگاری محلی در «طول» به بررسی تاریخ یک شهر، روستا، محله و یا منطقه در ادوار مختلف از آغاز تا زمان مؤلف پرداخته می‌شود. نگاه مورخ در این سبک تاریخ‌نگاری بیشتر بر عنصر «زمان» دوخته شده است. او حوادث و اتفاقات محدود به یک شهر یا یک منطقه را در سیر زمان بازسازی و بازگویی می‌کند. نوع دیگری از نگرش در حیطه تاریخ‌نگاری محلی، نگاه در «عرض» است. در این‌گونه تاریخ‌نگاری‌ها مورخ به زمان حال خود نزدیک است و موضوع یا موضوعات خاصی را در یک مقطع زمانی مشخص از شهر و یا روستای خود مورد بررسی قرار می‌دهد (نورائی، ۱۳۹۰: ۶۰۵).

است. چنان که گزارش‌ها به صورت عنوان بدون تفصیل و با جمله‌های مصدری بیان می‌شوند که با طرز نگارش کهن بخش نخست تفاوت آشکار دارد و نو بودن تألیف آن نسبت به بخش نخست به‌خوبی پیداست. این شیوه تا وقایع ۶۹۵ق/۲۹۶م ادامه می‌یابد (همان: ۴۰۸). قسمت دوم در باره رویدادهای سیستان پس از وفات ابوالفضل نصرین‌احمد است (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۳۹۲). از مطالب مهم این قسمت، شرح مؤلف در باره حمله قرامطه به سیستان است (همان: ۳۸۸-۳۹۱). بیشتر مطالب این قسمت در باره رکن‌الدین محمود، شاه نیمروز (سیستان)، و درگیری‌های او با امیران مغول است (همان: ۴۱۵-۴۰۷).

قسمت سوم کتاب از تاریخ ۶۹۵ق تا ۷۲۵ق دربرمی‌گیرد. در این قسمت ناگهان شیوه نگارش تغییر می‌کند و ماجرای مخالفت‌ها و نبردهای رکن‌الدین محمود با پدرش، ملک نصیرالدین و برادرش، شاه نصرت‌الدین، شاهان محلی سیستان گزارش می‌شود که همراه با تفصیل است، اما تاریخ وقوع حوادث را به دست نمی‌دهد. فقط از واپسین عبارت کتاب چنین برمی‌آید که نویسنده این چند صفحه پایانی، خود در آن سال، یعنی هشت سال پس از صلح فرزندان نصیرالدین زنده بوده است (همان: ۴۱۵). واپسین تاریخی که به سختی از لابه‌لای وقایع صفحه آخر کتاب و مقایسه آن با اثر تاریخی متأخر، *احیاءالملوک* در این باره می‌توان به دست آورد، ۷۲۷ق (سیستانی، ۱۳۴۴: ۹۲) که ظاهراً با مسامحه آن را ۷۲۵ق نوشته است.

مهم‌ترین ویژگی تاریخ سیستان، به عنوان تاریخ محلی، توجه مؤلف به ایران باستان است که آگاهی‌های ارزشمندی از آن به دست می‌آید. دور نیست که مؤلف انگیزه‌ای فراتر از نوشتن تاریخ

نهم در دسترس نبوده، اما پس از این تاریخ مؤلفان از آن بسیار سود جستند و، در واقع، اساس دیگر تاریخ‌های محلی طبرستان شده است، زیرا مؤلف علاوه بر جغرافیای طبرستان و اوضاع سیاسی آن دوره، به حکومت‌های همجوار طبرستان نیز پرداخته است.

ابن اسفندیار همانند مورخان پیش از حمله مغول و بعضی از تاریخ‌نگاران تواریخ محلی، که ایالات آنها از نوعی استقلال برخوردار بود، نسب دودمان‌های حاکمیت عصر خود را به خاندان‌های پیش از اسلام از جمله ساسانیان رساند. او به حسب و نسب اعتقاد داشت و جهت اثبات نظرات خود به احادیث و روایات متوسل شده است (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۴۹-۴۵).

او همچون تاریخ‌نگاران محلی بر قدمت ایالت خود تأکید می‌ورزد و آن را با روایات افسانه‌ای به منوچهر می‌رساند (همان، ۵۶، به بعد). این مورخ از قدمت، وسعت و اهمیت ایالت خود تعریف و تمجید نموده است (همان: ۷۵، ۷۹، ۸۱ و...). نگاه ابن اسفندیار در قبال حاکمیت عصر بدین شکل است که از طالبیان و علویان در برابر عباسیان حمایت می‌کند (همان: ۲۲۸-۲۲۵، ۲۲۴ و...)، لیکن از استیلای علویان چون حسن بن زید بر طبرستان چندان خرسند نیست (همان: ۲۴۳-۲۴۲). با این حال وی حتی نسبت به حاکمان دیگر ایالات مانند یعقوب لیث نظری منفی دارد و او را فرومایه و عیار پیشه قلم‌داده است (همان: ۲۴۶-۲۴۵). برای ابن اسفندیار شرح وقایع سیاسی و نظامی از اهمیت فراوان برخوردار است. اثر او به تصریح روزنتال بیشتر حول محور شخصیت‌های سیاسی و نظامی دور می‌زند (روزنتال، ۱۳۶۸: ۱۸۵).

در بررسی سبک نگارش تاریخ طبرستان باید گفت که نثر این کتاب تقریباً به نثر مصنوع

محلی داشته است و نهضت احیای ادبیات و دانش‌های ایران باستان در سده‌های سوم و چهارم او را بر این کار برانگیخته باشد. نقل برخی اطلاعات از کتاب بندهش زردشتیان (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۱۶، ۱۷؛ نیز نک: بهار، پاورقی: ۱۶، ۱۷) و نیز داستان ساختن آتشگاه کرکویه در سیستان (همان: ۳۷-۳۵)، می‌تواند نشانه‌ای از توجه مؤلف به جایگاه سیستان در فرهنگ ایران باستان و دین و آیین آن پس از سلطه عرب محسوب‌گردد (همان: ۱۰۳-۱۰۲، به ویژه بندهای ۳، ۴، ۱۵، ۱۶).

منابع مؤلف قسمت نخست کتاب عبارت بوده است از: *گرشاسب‌نامه* ابوالمؤید بلخی، عجایب بر و بحر تألیف پسر مقسم (همان: ۱۳)، *فضایل سجستان* از هلال یوسف اوقی / اوقی، *شاهنامه فردوسی* (همان: ۲، ۷)، *سیرالملوک عبدالله‌بن مقفع*، *کتاب الخراج* از قدامه بن جعفر، *کتاب انبیاء* تألیف علی بن محمد طبری (همان: ۹، ۱۱) و *تاریخ محمد بن موسی خوارزمی* (همان: ۶۰).

ب. تاریخ طبرستان بن اسفندیار

تاریخ طبرستان کتابی است به فارسی در باره طبرستان که بهاء‌الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب (متوفی بعد از ۶۱۳ق)، معروف به ابن اسفندیار، آن را در قرن هفتم تألیف کرده است. درباره کتاب *تاریخ طبرستان* باید گفت که این کتاب یکی از قدیم‌ترین تاریخ‌نامه‌های محلی طبرستان می‌باشد و در مواردی، از تاریخ‌نویسی محلی فراتر می‌رود. این اثر در چارچوب تاریخ‌نگاری محلی در طول تدوین یافته، اگرچه نگاه در عرض هم در محتوای کتاب قابل مشاهده است و به‌همین دلیل این کتاب از جمله تاریخ‌نامه‌های محلی می‌باشد که هم نگاه در طول دارد و هم نگاه در عرض، اما نگاه در طول پر رنگ‌تر است. *تاریخ طبرستان* ظاهراً تا قرن

(مینوی، ۱۳۱۱: ۹۹). نقل‌نامهٔ تنسر علاوه بر اهمیت فراوان آن، از نظر سیاسی نوعی تأکید بر استقلال خواهی دیرینه طبرستان از آن استنباط می‌شود.

ج. تاریخ‌نامهٔ هرات سیف هروی

قدیمی‌ترین تاریخ محلی برجای مانده هرات به فارسی از سیف‌بن محمدبن یعقوب هروی، معروف به سیفی هروی، از شاعران و نویسندگان مشهور خراسان در قرن هفتم و هشتم هجری است. سیفی از غیاث‌الدین کرت (حک: ۷۲۵-

۷۰۶)، جانشین فخرالدین فرمان یافت کتابی در تاریخ هرات از زمان چنگیز و خرابی شهر و به قتل رسیدن ساکنان آن در ۶۱۸ق تا عصر خویش بنویسد (همان، مقدمهٔ صدیقی: ۸-۶). تاریخ‌نامهٔ هرات از جمله تاریخ‌نامه‌های محلی دربارهٔ هرات است که مؤلف آن نگاه در طول داشته، هرچند فصل‌های آخر کتاب بیشتر با نگاه در عرض تدوین شده است و این ویژگی از مختصات عمدهٔ تاریخ‌نامه‌های محلی به‌شمار می‌رود. تاریخ تألیف تاریخ‌نامهٔ هرات دانسته نیست اما با توجه به آنکه سیفی هروی در چندجا از ممدوح خود غیاث‌الدین با عنوان "حاجی" یاد می‌کند، احتمالاً تألیف کتاب در حدود ۷۲۱ق مقارن بازگشت غیاث‌الدین از سفر حج پایان یافته است (علاء‌الدینی، ۱۳۸۰: ۲۵۵). سیفی هروی از کتاب خود با عنوان تاریخ‌نامه یا تاریخ شهر هرات یاد کرده است (سیفی هروی، ۱۳۶۲ق: ۴۴۳، ۸). اما برخی مورخان سده نهم از جمله اسفزاری آن را تاریخ ملوک کرت نیز خوانده‌اند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲/۵۶).

سیفی در تاریخ‌نگاری وقایع را پیوسته و به تفصیل شرح داده و درخور گنجایش کتاب، علل حوادث را بیان کرده است. وی به گفتهٔ خودش به انگیزه حقیقت‌جویی به این مهم دست زده و،

نزدیک است. نویسنده در استفاده از واژه‌های عربی افراط کرده است. تسلط مؤلف بر اشعار عربی، فارسی و لغات دشوار فهم متن کتاب را اندکی دشوار کرده است. بااین‌حال، استناد مؤلف با شاهد آوردن اشعار شاعران بزرگی چون فردوسی، سنایی و مؤیدی به ارزش کتاب افزوده است. استناد ابن اسفندیار به اشعار طبری در ذکر حوادث تاریخی نه تنها به ارزش کتاب افزوده بلکه کمک شایانی به حفظ زبان طبری کرده است.

تاریخ طبرستان از چند جهت دارای اهمیت است. نخست اینکه این اثر دربارهٔ حضور علویان در مازندران و تشکیل حکومت توسط آنان از منابع دست اول است. اهمیت دوم تاریخ طبرستان در استفادهٔ مؤلف از منابع گوناگونی است که برخی از آنها به جا مانده و به وجود بقیه، فقط با استناد به گفتهٔ ابن اسفندیار می‌توان پی برد (همان: ۷۹، ۸۲، ۸۵، ۹۴، ۹۷). سومین ویژگی برجستهٔ این اثر در نقل اشعار عربی و طبری و واژه‌های طبری است (کسروی، ۱۳۵۶: ۲۳-۱۸). مهم‌ترین علت اهمیت این اثر که آن را از سایر کتاب‌های محلی متمایز می‌سازد، وجود متن‌نامهٔ تنسر در این کتاب است. از آنجا که که متن پهلوی و عربی‌نامهٔ تنسر از بین رفته ثبت ترجمهٔ نامهٔ تنسر در تاریخ طبرستان کمک بزرگی به شناخت محتوای نامهٔ تنسر می‌نماید. اگرچه ابن اسفندیار در هنگام بیان ترجمهٔ نامهٔ تنسر الحاقاتی به آن افزوده است. شعرهای فارسی، عربی و بعضی از آیات قرآنی مندرج در این نامه را باید از الحاقات ابن مقفع و ابن اسفندیار دانست. به‌نظر می‌رسد ابن اسفندیار به منظور شرح مطالب و زیباتر کردن جمله‌های خود کلمه‌هایی به نامهٔ تنسر افزوده است و به این طریق به این نامه شاخ و برگ داده است

از این رو، شخصیت‌های تاریخی و روایات مورخان را نقد و بررسی کرده است (اسفزازی، ۱۳۳۸: ۷-۸ و مقدمه صدیقی: ۱۳). از بهترین قسمت‌های کتاب اشاره به احوال معیشتی بقایای جمعیت هرات پس از حمله مغول و گذران سخت زندگی آنها است که حاوی نکات فراوان از نابسامانی اقتصادی و اجتماعی می‌باشد (اسفزازی، ۱۳۸۸: ۸۳ به بعد). با این حال، انصاف این مورخ باعث شده است تا اغراق مورخانی چون مؤلف *طبقات ناصری* درباره تعداد کشتگان را رد کند (همان: ۷۰).

افزون بر این سیفی هروی درباره وقایع پیش از دوره خود از منابعی استفاده کرده که اکنون در دست نیستند. از جمله: *از تاریخ‌نامه هرات (تاریخ هرات)*، تألیف ابونصر عبدالرحمان بن عبدالجبار فامی (اسفزازی، ۱۳۳۸: ۲۶-۲۵) و نیز از مثنوی تاریخی *کرت نامه* از خطیب فوشنجی معروف به ربیعی (سیفی هروی، ۱۳۶۲ق: ۳۹۲-۳۹۱، ۴۴۹-۴۴۸). سیفی هروی در قسمت ظهور مغولان و حمله آنان به هرات اطلاعات خود را از منابعی همچون تاریخ منهای سراج، *تاریخ جهان‌گشای علاءالدین عظاملک جوینی* و *تاریخ غزالی* رشیدالدین فضل‌الله گرد آورده است. از دیگر منابع وی نیز *تاریخ خراسان و اخلاق خانی* (همان: ۹۵) بوده است. احتمالاً سیفی به اجازه غیاث‌الدین به اسناد و مدارک دولتی دسترسی داشته زیرا متن برخی از این اسناد را به‌طور کامل نقل کرده است (سیفی هروی، ۱۳۶۲ق: ۷۰، ۷۳، ۵۸، ۱۰۱، ۳۰۴، ۹۵، مقدمه صدیقی: ۱۳).

از این رو، شخصیت‌های تاریخی و روایات مورخان را نقد و بررسی کرده است (اسفزازی، ۱۳۳۸: ۷-۸ و مقدمه صدیقی: ۱۳). از بهترین قسمت‌های کتاب اشاره به احوال معیشتی بقایای جمعیت هرات پس از حمله مغول و گذران سخت زندگی آنها است که حاوی نکات فراوان از نابسامانی اقتصادی و اجتماعی می‌باشد (اسفزازی، ۱۳۸۸: ۸۳ به بعد). با این حال، انصاف این مورخ باعث شده است تا اغراق مورخانی چون مؤلف *طبقات ناصری* درباره تعداد کشتگان را رد کند (همان: ۷۰).

افزون بر این سیفی هروی درباره وقایع پیش از دوره خود از منابعی استفاده کرده که اکنون در دست نیستند. از جمله: *از تاریخ‌نامه هرات (تاریخ هرات)*، تألیف ابونصر عبدالرحمان بن عبدالجبار فامی (اسفزازی، ۱۳۳۸: ۲۶-۲۵) و نیز از مثنوی تاریخی *کرت نامه* از خطیب فوشنجی معروف به ربیعی (سیفی هروی، ۱۳۶۲ق: ۳۹۲-۳۹۱، ۴۴۹-۴۴۸). سیفی هروی در قسمت ظهور مغولان و حمله آنان به هرات اطلاعات خود را از منابعی همچون تاریخ منهای سراج، *تاریخ جهان‌گشای علاءالدین عظاملک جوینی* و *تاریخ غزالی* رشیدالدین فضل‌الله گرد آورده است. از دیگر منابع وی نیز *تاریخ خراسان و اخلاق خانی* (همان: ۹۵) بوده است. احتمالاً سیفی به اجازه غیاث‌الدین به اسناد و مدارک دولتی دسترسی داشته زیرا متن برخی از این اسناد را به‌طور کامل نقل کرده است (سیفی هروی، ۱۳۶۲ق: ۷۰، ۷۳، ۵۸، ۱۰۱، ۳۰۴، ۹۵، مقدمه صدیقی: ۱۳).

بینش مورخ تفاوت چندانی با مورخان عصر ندارد. او از حاکمیت آل کرت دفاع می‌کند و در حق شاهان آل کرت با اغراق و مبالغه سخن می‌دارد، به گونه‌ای که این حاکمان محلی را تا حد امپراتوران بالا می‌برد. آگاهی محلی و

د. مسامرة الاخبار و مسایرة الخیار

مسامرة الاخبار و مسایرة الخیار معروف به *تاریخ سلاحه*، اثر خواجه کریم‌الدین محمود بن محمد آقسرائی (در میان ۷۲۳ و ۷۲۳ق/۱۳۲۳ و ۱۳۳۳م)، مورخ، منشی و دولتمرد عهد سلجوقیان روم در سده ۷ و ۸ق/۱۳ و ۱۴م است (شعار، ۱۳۶۷: ذیل آقسرائی). مسامرة الاخبار از جمله تاریخ‌نامه‌های محلی و سلسله‌ای است که مؤلف با نگاه تاریخ نگاری در طول آن را تدوین نموده است. تدوین این کتاب در سال ۷۲۳ ق پایان یافته و مکمل تاریخ ابن‌بی‌بی است. چنانکه مؤلف در مقدمه گفته، کتاب را به ۴ اصل تقسیم کرده است. اصل اول و دوم تاریخ عمومی اسلام از هجرت پیامبر (ص) تا برفتادن عباسیان، و دوره سلجوقیان به اختصار از منابع دیگر نقل گردیده است. قسمت اصلی کتاب دو اصل آخر

کتاب مخصوصاً اصل چهارم است که مؤلف در آن بیشتر مشهودات خود را نوشته و از نظر تاریخ سلجوقیان روم و استیلای ایلخانان مغول بر آن دیار منبع گران‌بهایی است. مؤلف در این کتاب درباره وضع تواریخ و کیفیت آن و تاریخ اسلام، فرمانروایی سلجوقیان، خاقان‌های مغول، پادشاهان روم، امیران و صاحب‌منصبان روزگار ایشان و رویدادهایی که در دوره ملازمت مشاغل دیوانی شاهد آنها بوده، سخن گفته، ولی آنچه اکنون در دست است و شاید همان باشد که نویسنده موفق به اتمام آن شده، رویدادهای روزگار سلجوقی از آغاز تشکیل دولت سلجوقیان، ذکر سلاجقه ایران و روم و رویدادهای دوران آن خاندان تا چیرگی مغول است. یکی از ویژگی‌های این کتاب، ذکر ماده تاریخ‌های مشهوری است که مؤلف درباره حوادث مهم و سال مرگ بزرگان آورده است (صفا، ۱۳۶۹: ۳/۲، ۱۲۵۶-۱۲۵۵).

مسامره الاخبار با عبارت منشیانه معتدلی نوشته شده و نویسنده آن خواسته است که شیوه عظامک را در اثر خود پیروی کند، عبارات او استوار و یک‌دست و آراسته به امثال و اشعار پارسی و تازی، و کتابش از حیث اشمال بر اطلاعات وافر درباره سلاجقه روم و حوادث آسیای صغیر در عهد آنان، و ذکر رجال و معاریف آن دیار در مطاوی اخبار و حوادث، از جمله مأخذ بسیار سودمند فارسی است (صفا، ۱۳۶۲: ۱۲۵۶). آقسرائی شعر فارسی نیز می‌سرود و ابیاتی از اشعار خود را در مسامره الاخبار آورده است (آقسرائی، ۱۳۶۲: ۲۶۴).

مسامره الاخبار در ۱۹۴۳م به تصحیح عثمان توران به زبان ترکی جدید با پیشگفتاری عالمانه در آنکارا و در سال ۱۳۶۲ اش انتشارات اساطیر

به چاپ رسیده است.

ه. جامع‌الخیرات (۷۳۳-۷۳۲ق)

جامع‌الخیرات، عنوان رساله وقفنامه‌ای است که به دست سید رکن‌الدین ابوالمکارم محمدبن قوام‌الدین محمدبن نظام حسینی یزدی (متوفی ۷۳۲ق) و پسرش سیدشمس‌الدین محمد که بخشی از اموال خود را وقف کرده‌اند، در سال‌های ۷۳۲ و ۷۳۳ق، نگارش یافته و بین سال‌های ۷۳۳ تا ۷۳۴ق، نسخه‌های متعددی از آن به تسجیل عده‌ای از علما و قضات و نقبای آن دوره رسیده و به تصریح وقف‌نامه، نسخه‌های مذکور به اماکن مختلفی که موقوفات متعلق بدانها بوده، (مکه، مدینه، کربلا و...) فرستاده شده است تا متولیان آن اماکن از مفاد و میزان آن آگاه شوند (میرحسینی، ۱۳۸۴: ۱۶۴). رساله جامع‌الخیرات شامل یک مقدمه و متن وقف‌نامه است.

از جهت محتوا، این وقف‌نامه حاوی اطلاعات بسیار دقیق از تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی شهر یزد و نواحی اطراف آن و درعین حال، شامل اطلاعات ارزنده در باره جغرافیای تاریخی این شهر در سده‌های هفتم و هشتم هجری است. این وقف‌نامه در درجه نخست، مهم‌ترین اماکن مذهبی، فرهنگی و اقتصادی شهر یزد در دور حیات واقفان را نشان می‌دهد و به ۹ مسجد، ۸ مدرسه، ۱۴ خانقاه و ۱۱ رباط اشاره می‌کند که بخشی از درآمد اوقاف به آنها اختصاص یافته است. از آنجا که اوقاف عمدتاً زمین‌های کشاورزی، باغ‌ها، باغچه‌ها، بستان‌ها، قنات‌ها و مراکز تجاری می‌باشند شرح میزان سهم، مکان قرار گرفتن و حدود آنها، جملگی اطلاعات مفیدی در باب ابعاد مختلف زندگی اجتماعی شهر یزد را در آن دوره ارائه می‌دهد.

درآمد اوقاف را صرف قبور ائمه شیعه به ویژه امام علی و امام حسین (ع) کرده‌اند شکی در تشیع آنان نیست.

آنچه که از باب تاریخ‌نگاری محلی یزد مهم است بیان این نکته می‌باشد که وقف‌نامه بر خلاف کتاب‌های تاریخ محلی که عمدتاً دچار غلو و افسانه‌پردازی شده‌اند، مبتنی بر واقعیت موجود بوده و دلیلی برای گرافه‌گویی و افسانه‌سرایی نداشته است. هرچند تذکر این نکته نیز لازم است که در میان کتاب‌های تاریخ محلی ایران در سده‌های هشتم تا دوازدهم، تاریخ‌های محلی یزد کمتر دچار این آفت شده‌اند.

و. شیرازنامه ابن زرکوب (۷۵۷ق)

شیرازنامه کتابی است نوشته ابوالعباس معین‌الدین احمد بن شهاب‌الدین ابی‌الخیر حمزه بن ابی‌الفضل حسن بن عزالدین مودود دهبی، مشتهر به زرکوب شیرازی (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳۱۰)، از دانشمندان و مؤلفان قرن هشتم هجری. مؤلف شیرازنامه را به نام حاجی قوام‌الدین وزیر ابواسحق اینجو (مقتول در ۷۵۴ق/۱۳۵۳م)، به سه سال ۷۵۷ق/۱۳۵۶م تألیف نمود. عامل اصلی تألیف شیرازنامه، رقابت و حتی الگوپذیری از تواریخ محلی شهر بغداد بود. این اثر بر خلاف فارسنامه که مقدرات عمومی تاریخی و جغرافیایی ایالت فارس را مورد توجه قرار داد، بیشتر تاریخ شهر شیراز است. در واقع تألیف شیرازنامه، نشانه روند شهری شدن تاریخ‌نگاری فارس است. شیراز نامه از جمله تاریخ‌نامه‌های محلی است که به فرهنگ نامه‌های محلی بسیار نزدیک است و نگاه مؤلف نگاه در طول می‌باشد. مؤلف کتاب خود را در قالب یک مقدمه و دو اصل و یک خاتمه تدوین کرده است (شیرازی، ۱۳۲۸: ابن زرکوب، ۶: ۱۳۵۰).

اصل نخستین، طبق معمول الگوی تواریخ محلی

واقفان ضمن معرفی دریافت‌کنندگان منافع اوقاف، به حواشی و مؤسسات وابسته نیز اشاره نموده‌اند. در حوزه جغرافیایی تاریخی، به دفعات، نام شهرستان‌ها و روستاهای یزد را بر شمرده و اطلاعات بسیار دقیقی از آنها آورده است (همان: ۲۴۵-۱۵۳). در حوزه آموزشی ضمن معرفی مدارس مهم، به مؤسسات جانبی از جمله دارالحدیث، بیت‌الادویه و دارالکتب اشاره و هزینه‌های آموزشی مدارس را با تعیین میزان اوقاف مشخص نموده‌اند. در حوزه‌های اجتماعی ضمن معرفی اصناف جامعه، به تمام ابعاد زندگی اجتماعی اشاره کرده‌اند، از جمله اداره حمام‌ها، کارگاه‌های مختلف، نانوایان و انواع غذاها، بیمارستان‌ها، یتیم‌خانه‌ها، مردگان و آداب کفن و دفن، آداب ماه رمضان، معرفی اوزان، شاخص‌های اندازه‌گیری زمین‌ها، معرفی اصطلاحات مساحی چون جریب، قفیر، اجره و افقز، و بسیاری اطلاعات ارزنده دیگر (حسینی یزدی، ۱۳۴۵: ۹۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۸، ۲۰۹).

بنابراین، جامع‌الخیرات علاوه بر ارائه اطلاعات ارزنده در جغرافیای تاریخی یزد و نواحی اطراف، به تمام ابعاد زندگی اجتماعی جامعه آن روز یزد و نواحی اطراف آن پرداخته و تصویر بسیار دقیق و روشنی از حیات اجتماعی فرهنگی، مذهبی و اقتصادی ارائه می‌دهد که در نوع خود کم‌نظیر است. نکته قابل توجه ارائه تصویری دقیق از فضای مذهبی شهر یزد است که می‌توان ادعا کرد که جامعه آن روز شهر یزد و نواحی اطراف شیعه‌علوی بوده ولی اشتراکات بسیاری با جامعه اهل سنت داشته‌اند و علی‌رغم حاکمیت سیاسی جریان اهل سنت در ایران، جامعه یزد مانند بسیاری از نقاط دیگر ایران شیعه‌علوی بودند. با توجه به اینکه واقفان بخشی از

در شناخت اوضاع و احوال جغرافیایی منطقه فارس، محاسن و مزایا و تفاوتش با سایر نواحی است. در پی آن به اختصار از تحولات سیاسی و نظامی تا حوالی ۷۵۷ ق ۱۳۵۶ م یاد شده است (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۱۲۲-۴۶). جالب آنکه مؤلف در بیان ورود شحنگان مغول به شیراز از عدالت، نظم، انضباط و حتی کرامات آنها سخن می‌گوید. باین حال از عمر و لیث صفاری به طعن و قدح یاد کرده است. او به‌رغم تعریف و تمجید از آل بویه از پدیدهٔ اقطاع داری نیز انتقاد می‌کند. این اصل شامل هفت طبقه می‌باشد. مؤلف در این اصل ضمن بیان حوادث سیاسی شیراز و فارس و اشاره به چگونگی به قدرت رسیدن پادشاهان از سلسله‌های مختلف و بیان محاربات بین آنها به آثار و ابنیه ساخته شده در ادوار مختلف هم اشاره کرده و به نوعی کتاب *شیراز نامه* در بخش نخست (اصل اول) حاوی تاریخ تمدن و معماری شیراز در دورهٔ مورد اشارهٔ مؤلف است. اصل دوم کتاب متفاوت از بخش پیشین، تذکرهٔ رجال مشاهیر و مشایخ صوفیه و علمای معروف شیراز است. مؤلف در این بخش، در هفت طبقه، به تذکرهٔ ۸۴ نفر از علما و عرفا و محدثان پرداخته است (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۴۵-۴۴، ۹۲-۹۰، ۲۰۸-۱۲۴).

خاتمهٔ کتاب در دو فصل تدوین شده است، فصل اول در ذکر طبقات سادات و عده‌ای از اهل بیت نبوت و دودمان عصمت و طهارت که به شیراز آمده و در آن شهر مدفون هستند و تعداد آنها ۱۳ نفر و افضل و اول آنها حضرت احمد بن موسی (ع). فصل دوم در ذکر مزاراتی که در شیراز مشهور و معروف، و اسامی آنها در زبان عوام افتاده و اشتهاری گرفته که تعداد آنها هشت نفر ذکر شده است (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۲۰۸-۲۰۷).

(۲۰۵).

به‌رغم اهمیت هر دو بخش کتاب، بخش دوم آن به‌عنوان تذکرهٔ رجال و مشاهیر شیراز و فارس، متضمن احوال فرهنگی، علمی و اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این توجه مؤلف ناشی از سابقهٔ خانوادگی و حتی شخصیت دینی و عرفانی خود مؤلف، است. تأثیر بخش دوم در تذکرهٔ *هزار مزار* به‌وضوح قابل رؤیت است (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۱۹۵-۱۹۴، ۱۳۳-۱۳۲؛ شیرازی، ۱۳۶۴: ۸۹-۸۸).

این اثر از حیث تاریخی، به‌سبب اشتغال بر اطلاعات مختصر و مفید از لشکرکشی‌ها و رخدادهای سیاسی و نظامی بسیار قابل استفاده و توجه است. لکن اشتباهاتی نیز به چشم می‌خورد. در قسمت دوم تذکره، اطلاعات مفید در مواردی هم نادر وجود دارد و از آن حیث ذکر شرح حال عرفا و صلحای شیراز تا قرن هشتم بسیار ارزشمند است. ابن زرکوب در تدوین اثرش از آثار شاخص قبل از خود استفاده کرده است و به‌دلیل اینکه بعضی از این آثار اکنون وجود ندارند این کتاب حایز اهمیت است. مؤلف در قسمت تاریخی از کتاب‌هایی چون *فارسنامه* ابن بلخی، *تاریخ و صنف* و *تاریخ عتبی* و در قسمت تذکره‌ای از آثاری چون *مثنوی* مشخیه *مقاریبی*، *مثنوی دیلمی* و *طبقات الصوفیه* استفاده کرده است. در نهایت باید خاطر نشان کرد این اثر در احوال فرهنگی، علمی و اجتماعی ایالت فارس و شهر شیراز اثری بدیع و ارزشمند است. **شاخصه‌های تاریخ نگاری محلی در دورهٔ مغول**

الف. بیان ساختار و محتوا

از نظر ساختار عمدهٔ آثار تدوین شده در این دوره در قالب مشترکی قرار دارند. این آثار در قالب یک مقدمه و چند فصل و یا بخش تدوین

جنوبی دریای خزر در دوران حیات نویسندگان است (ابن اسفندیار، ۱۳۲:۲۴۴-۲۴۴). آثار تدوین شده در هرات و یزد به علما و دانشمندان و اماکن و بناها و کاریزها و قنات‌ها پرداخته و شرح کاملی از اوضاع فرهنگ و تمدنی دو شهر هرات و یزد ارائه داده‌اند. علاوه بر موارد فوق این آثار به مباحث اجتماعی، اقتصادی، ادبیات و اصطلاحات محلی و زبانی، تمایلات ناسیونالیستی و باستان‌گرایی، موضوعات مذهبی، رجالی، فرهنگ و تمدن فرهنگ عامه نیز پرداخته‌اند (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۵۵، ۲۶۵-۲۶۰، ۲۶۸، ۲۷۰، ۳۶۶).

به‌طور خلاصه می‌توان ویژگی‌های زیر را در تاریخ‌های محلی دوره مغول مشاهده کرد:

۱- بیان داستان بنیان و بنای شهر و دیار و گاه ذکر وجه تسمیه آن.

۲- شرح ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی، مساحت و وسعت شهر و دیار و ویرانی یا آبادانی شهرها و دهات، وصف آب و هوای نواحی منطقه، نوع زراعت و محصولات و فرآورده‌ها، نوع معادن، صنایع، ذکر مراتع، چشمه‌سارها و چمن‌زارها و ...

۳- ذکر محاسن و فضایل منطقه، احوال، خلق و خو، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و مذاهب سکنه، زبان و لهجه.

۴- وصف مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، مزارهای بزرگان، کتابخانه‌ها، بناهای باستانی، حصارها، دروازه‌ها، قنات، بقاع، شرح عجایب و غرایب.

۵- شرح شورش‌ها و طغیان‌های واقع شده در شهرها، جنگ‌ها و کشمکش‌های روی داده بین مناطق و شهرها، قتل و غارت‌ها، کشتارها و دیگر رویدادهای تلخ و ناگوار.

۶- احوال رجال اعم از فرمانروایان، شاهزادگان، سرداران، امرا، وزرا، بزرگان علم و ادب،

شده‌اند. در مقدمه این آثار مؤلفان به اهداف و انگیزه‌های خود از تدوین این آثار پرداخته و به محاسن و فضایل شهر یا ناحیه مورد نظرشان اشاره کرده‌اند. عموماً در بیان وجه تسمیه شهر و یا ناحیه و تاریخ و چگونگی بنای آن به اسطوره‌ها و افسانه‌ها پرداخته‌اند. ابن اسفندیار بزرگ‌ترین نویسنده تاریخ محلی سده هفتم بنای آمل را به دو برادر به نام‌های اشتاد و یزدان، سرزمین دیلم، نسبت می‌دهد (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۶۲). و سیف هروی بنای شهر هرات را به طهمورث بن هوشنگ می‌رساند (سیف هروی، ۱۳۵۲: ۲۶) و ابن زرکوب زمین شیراز را بقایای صومعه‌ای می‌داند که از عهد جمشید بنا شده بود (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۳۲). پس از ذکر مقدمه در قالب‌های متفاوتی چون فصل، بخش، روضه و چمن، گفتار، باب، قسم و مقاله به متن پرداخته و به تناسب موضوع کتاب خویش را تدوین نموده‌اند. این دسته از آثار عمدتاً به دو نوع ترتیب اتفاق زمان حدوث و دیگری بر اساس مرور سلسله حکومت‌ها و پادشاهان تنظیم شده‌اند.

اما از جهت محتوا با توجه به اینکه عمده تاریخ‌نامه‌های محلی تدوین شده در دوره مورد نظر به توصیه و سفارش یک حاکم محلی و یا برای خوشامد او تدوین شده است، برخلاف ادوار پیشین که تمرکز عمده تاریخ‌نامه‌های محلی به محاسن و فضایل بوده، این آثار بیشتر به بیان حوادث سیاسی و تغییر و تحولات اداری شهرها و نواحی پرداخته‌اند هرچند از ذکر محاسن شهر نیز غفلت نکرده‌اند. در این میان آثار نوشته شده در سواحل جنوبی دریای خزر بیشتر به مسائل سیاسی و اداری منطقه پرداخته‌اند. ویژگی دیگر آثار این منطقه وجود اصطلاحات طبری و دیلمی و بسیاری از آداب و رسوم رایج در سواحل

دانشمندان، شعرا و ادبا، اقطاب و مشایخ صوفیه، محدثان، فقیهان، قضات و ...

۷- شرح آداب و رسوم و فرهنگ عامه که گاه به‌کلی در طول زمان منسوخ شده‌اند.

۸- بیان اختلافات و کشمکش‌های مذهبی و فرقه‌ای و نحوه ظهور آیین‌ها و فرق مذهبی.

۹- شرح وقایع و حوادث سیاسی، گاه ذکر قساوت‌ها و بی‌رحمی‌های دولت‌مردان و صاحبان قدرت.

۱۰- ذکر انواع مالیات و خراج، بیان باج‌خواهی‌ها و باج‌دهی‌ها، وصف اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهر و دیاری خاص در دوره‌ای مشخص، اشاره به وضع طبقات مختلف جامعه و گاه زندگی طبقات متوسط و فرودست جامعه.

ب. جایگاه نویسندگان

عمده نویسندگان تاریخ‌نامه‌های محلی از دبیران و منشیان بوده‌اند که در دستگاه حکام محلی به دبیری و امور دیوانی اشتغال داشتند و با توجه به دسترسی به اسناد دیوانی و اخبار دستگاه حکومتی توانسته‌اند اطلاعات ارزنده‌ای درباره ساختار قدرت و اوضاع سیاسی منطقه و رابطه آن با دولت مرکزی ارائه دهند (شعار، ۱۳۶۷:

ذیل آقسرای و تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۱۴۵-۱۴۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۳۵۴، ...). اغلب تاریخ‌نگاران محلی سواحل جنوبی دریای خزر از این گروه بودند (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۴). بخشی هم از ادبا و شاعران و خوشنویسان و مترسلان بودند (سیفی هروی، ۱۳۶۲: ۳۸۰). برخی هم از سادات بودند و با هدف ثبت حوادث و سرگذشت و معرفی خاندان‌های سادات به تدوین تاریخ پرداختند (حسینی یزدی، ۱۳۴۵: ۱۲-۵).

ج. انگیزه‌های نویسندگان

انگیزه‌های متعددی زمینه تدوین تاریخ‌نامه‌های محلی را فراهم ساخته است. تشویق حاکمان

سیاسی، دوستداری وطن، دیدن خواب و اورادات غیبی، احیای فرهنگ و سنن باستان، رقابت با نویسندگان تاریخ‌های شهرهای دیگر، جبران کاستی تاریخ محلی در باب شهرها و ثبت زیبایی‌های زادگاهشان در این میان تشویق و ترغیب حاکمان وطن‌دوستی در درجه نخست اهمیت قرار دارند. این دو عامل درعین حال که زمینه‌ساز تدوین این آثار گشته‌اند، موجب رواج غلو و افسانه‌سرایی هم شده‌اند چراکه، از یک طرف، نویسندگان خواسته‌اند اعتبار شهر و ناحیه خویش را بالا ببرند و یا اینکه جایگاه و قابلیت حاکمی را فراتر از اندازه بیان کنند (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۹-۸ و سیفی هروی، ۱۳۶۲: ۴۴۳، ۴۶۱). به عنوان مثال ابن زرکوب علت تألیف شیرازنامه را این‌گونه عنوان می‌کند: "جمعی از ملازمان صحبت به شوافع افتراح، التماس نمودند که در فضیلت دارالملک شیراز هم بر آن منوال [تاریخ بغداد] کتابی تألیف می‌باید کردن، که مشتمل باشد به ذکر خصوصیات شهر شیراز و طبقات سلاطین آن مملکت، و مشحون به شرح مزایای] ائمه و افاضل و مشایخ این دیار" (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۱۱). البته هستند آثاری که از این آفات مصون مانده و کمتر دچار غلو شده‌اند.

برخی از نویسندگان هم با هدف احیای سنن پیشین به ویژه ارزش‌های دوران باستان به تدوین تاریخ‌نامه محلی پرداخته‌اند که در این خصوص تاریخ سیستان و تاریخ‌های محلی شمال ایران بیشتر دارای این ویژگی هستند (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: مقدمه بهار و ۲۵-۱؛ ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۰-۱). به‌عنوان مثال مورخ نخست تاریخ سیستان از وطن‌دوستی محلی فراوان برخوردار است. مؤلف از چنان تعصبی برخوردار است که سیستان را به عنوان ایالتی در کنار ایران (همسایه) و نه جزو ایران قلمداد کرده

محلّی، عالمان و دانشمندان و خاندان‌های بزرگ دینی و اقتصادی نیز از مخاطبان این آثار بودند که هرکدام به فراخور احوال خویش علاقه‌مند به آگاهی از مختصات و ویژگی‌های گوناگون شهر محل تولد و یا سکونشان بودند.

ه. جایگاه ادبی تاریخ‌های محلّی

کتاب‌های تاریخی نقش ویژه‌ای در تاریخ ادبیات ایران دارند و تاریخ‌های محلّی به دلیل وابستگی هرکدام به یک شهر و یا یک ناحیه از اهمیت بیشتری برخوردارند. اهمیت ادبی تاریخ‌های محلّی از چند جهت قابل بررسی و تحقیق است. نخست از جهت اسلوب نگارش که این آثار بنا به موقعیت مکانی و زمانی خود بیان‌کننده سبک نگارش یک دوره و یک مکان‌اند. دوم اینکه این آثار حامل عبارات، اصطلاحات، و اشعار بسیاری هستند که از چشم تاریخ‌نگاران عمومی به دور مانده و یا امکان طرحشان فراهم نگردیده است. *تاریخ‌نامه هرات* از جنبه ادبی و انشا از نمونه‌های خوب نثر فارسی است (صفا، ۱۳۶۹، ۳/۲: ۱۲۴۲). نثر سیفی شیوا و روان است و گاه آمیخته با قصاید و قطعاتی از خود وی. او به‌مناسبت مقام، از آیات قرآن و احادیث و اشعار فارسی و عربی استشهد کرده است. افزون بر این *تاریخ‌نامه هرات* به جهت اشتهال بر یادکرد از برخی از شعرا و علما و اولیا درخور توجه می‌باشد (همان، مقدمه صدیقی: ۱۸، ۲۳). *تاریخ‌نامه هرات* علاوه بر جنبه تاریخی، اثری بسیار سودمند و مهم و زیبا ادبی فارسی است که نویسنده آن عبارات و مطالب آن را با اشعار بسیار نغز و ترانه‌های شیرین و شیوای فارسی و گاهی هم با اشعار و قطعات ادبی و مناسب عربی آرایش داده است. با توجه به تأکید ملک‌غیاث‌الدین برای دوری کردن از بیان جعلیات و مفتریات، ظاهراً سیف هروی کتاب خود را بر اهل قلم و فضل،

است (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۶۸-۶۷). آنچه که در سیستان اتفاق افتاد از جمله قیام خوارج و حمزه آذرک و تشکیل حکومت صفاری برای مؤلف *تاریخ سیستان* ارزشمند بوده و با تعصب از آن یاد کرده است. او با اشاره مفصل به قیام حمزه بن عبدالله خارجی در عصر هارون الرشید، حمزه را مردی شجاع، عالم و امر به معروف می‌داند. این در حالی است که ابن فندق از قتل عام دهشتناک حمزه، در حوالی بیهق یاد می‌کند (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۶۸-۶۷؛ ابن فندق، ۱۳۶۱: ۴۴-۴۵). برخی از این نویسندگان با انگیزه‌های مذهبی به نگارش تاریخ محلّی پرداخته‌اند، به‌عنوان مثال می‌توان به *جامع‌الخیرات* اشاره نمود (حسینی یزدی، ۱۳۴۵: ۱۲-۵).

د. مخاطبین

با توجه به انگیزه مورخان در تدوین تاریخ‌نامه‌های محلّی می‌توان به مخاطبین آنها پی برد. اولین گروه از مخاطبین این آثار حاکمان سیاسی و والیان شهرها و ولایات بودند که می‌خواستند از این طریق هم اقتدار خویش را در صحنه تحولات سیاسی به رخ رقیبان بکشند و هم به‌وسیله این آثار نام خویش را جاودانه سازند. از طرفی این آثار امکان کسب مشروعیت برای بخشی از حکام محلّی فراهم می‌کرد هم از جهت ادامه حکومتشان و هم از جهت حفظ استقلالشان در برابر قدرت مرکزی و یا قدرت‌های بزرگ‌تر. هدف دیگری که می‌توان برای حاکمان سیاسی در توجه به این آثار در نظر گرفت منافع و یا اطلاعات اقتصادی به‌ویژه درباره اصناف و اماکن اقتصادی و تجاری و زمین‌های کشاورزی و محصولات کاشته شده در آنها بود. چرا که تاریخ‌های محلّی گزارش‌های ریز و دقیقی از این شرایط در اختیار مخاطبین خود قرار می‌دهند. علاوه بر حکام و والیان

پیران و متقدمان جهان‌دیده عرضه کرد و مورد تصدیق و تأیید آنها قرار گرفت. اهمیت کتاب باعث شد تا مورخان عصر تیموری مانند حافظ ابرو، عبدالرزاق سمرقندی در مطلع سعدین، میرخواند و اسفزاری مورخان متأخر تاریخ محلی هرات از آن به‌عنوان منبع اصلی در آثار خود استفاده نمایند (همان، مقدمه: ۲۳-۱۸، ۱۴۰).

مسامرة الاخبار به نثر منشیانه معتدلی نوشته شده و نویسنده آن خواسته است که شیوه عظاملک را در اثر خود پیروی کند. عبارات او استوار و یک‌دست و آراسته به امثال و اشعار پارسی و تازی، و کتابش از حیث اشمال بر اطلاعات وافر درباره سلاجقه روم و حوادث آسیای صغیر در عهد آنان، و ذکر رجال و معاریف آن دیار در مطاوی اخبار و حوادث، از جمله مأخذ بسیار سودمند فارسی است (صفا، ۱۳۶۲: ۱۲۵۶).

آقسرای شعر فارسی نیز می‌سرود و ابیاتی از اشعار خود را در مسامرة الاخبار آورده است (آقسرای، ۱۳۶۲: ۲۶۴). در بررسی سبک نگارش کتاب تاریخ طبرستان نیز باید گفت که نثر این کتاب تقریباً به نثر مصنوع نزدیک و نویسنده در استفاده از واژه‌های عربی افراط کرده است. تسلط مؤلف به اشعار عربی، فارسی و لغات دشوار فهم متن کتاب را اندکی دشوار کرده است. باین حال استناد مؤلف به اشعار شاعران بزرگی چون فردوسی، سنایی و مؤیدی به ارزش کتاب افزوده است. استناد ابن‌اسفندیار به اشعار طبری در ذکر حوادث تاریخی نه تنها به ارزش کتاب افزوده بلکه کمک شایانی به حفظ زبان طبری نموده است.

تاریخ سیستان به لحاظ ادبی نیز بسیار ارزشمند است و از جمله بهترین آثار نثر پارسی آغاز سده پنجم هجری به شمار می‌رود (صفا، ۱۳۵۰: ۲۱۶) و در جاهایی که مؤلف از پارسی یا پهلوی نقل و

ترجمه کرده، حاوی کم‌ترین واژگان عربی است (بهار، ۱۳۷۳: ۲۶۵). عبارتهای کوتاه و رسا همراه با ترکیب‌های بدیع و اصطلاحات ناب پارسی از دیگر ویژگی‌های این متن به شمار می‌رود. مجموع واژگان تازی متن از ۵ بیشتر نیست و از این رو، تاریخ سیستان زبانی را زنده نگه داشته که در حدود ۵ واژه‌های آن از میان رفته است (همان، ۱: ۲۶۰-۲۵۸، ۲۶۶). با وجود گسستگی‌هایی که در نسخه بازمانده راه یافته، تاریخ سیستان، گذشته از ارزش روایت‌های تاریخی آن، به لحاظ شیوایی و زیبایی متن در کنار تاریخ بلعمی و تاریخ بیتهی قرار دارد. نثر تاریخ سیستان یک‌دست نیست؛ نثر چند بخش ابتدای آن متأثر از نثر ابوالمؤید بلخی و بشر مقسم است و تا جلوس طغرل اول (۴۵۵-۴۲۹ق) نثری قدیمی شبیه به نثر بلعمی دارد. در قسمت دوم سبک کتاب از لحاظ ادبی و تاریخی تغییر می‌کند و نثر آن آمیزه‌ای از نثر سده ششم و هفتم می‌شود، جملات نیز استحکام قسمت نخست را ندارند. در این کتاب، واژه‌های عربی و مهجور فارسی اندک است (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۳۸۲، پانویس ۱، مقدمه بهار و نیز ۳۲۳-۳۱۷) و در آن از شواهد شعری به‌جا استفاده شده است. بهار در مقدمه اسلوب نگارش کتاب و ساختار ادبی آن را در چند مورد بیان می‌کند «اختصاصات این کتاب در انشا و نحو و صرف بسیار است. قواعد انشا و دستور این کتاب با قدیمی‌ترین کتب فارسی که به نظر رسیده از قبیل نثر بلعمی در ترجمه تاریخ طبری (۳۶۰-۳۵۰ق) و حدودالعالم (۳۷۲ق) شباهت تام دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

تاریخ‌های محلی برجای‌مانده از دوران مغول^۵ خصوصاً آثاری مانند تاریخ سیستان و تاریخ

تاریخ‌های محلی که از دوره مغول به یادگار مانده‌اند از نظر سبک نگارش و، همچنین، نگارش نویسندگان از سنت‌های پیش از خود پیروی می‌کنند. مواردی همچون فضیلت‌نویسی، حب وطن، دستوری بودن و یا توصیه‌ای بودن نگارش، استناد به روایات و احادیث ضعیف، برخورداری از نگارش طولی از جمله ویژگی‌های مشترک تاریخ‌های محلی دوره مغول با آثار مشابه اعصار پیشین است. البته برخی از این آثار همچون *وقف‌نامه جامع‌الخیرات* تا حدود زیادی فاقد ویژگی‌های مزبور می‌باشد و از آثار کم‌نظیر تدوین یافته در حوزه تاریخ و تمدن ایران به شمار می‌رود. نکته آخر اینکه فارسی‌نویسی و استفاده از لغات مغولی و ترکی از ویژگی‌های منابع محلی دوره مغول به شمار می‌رود.

طبرستان - از جمله منابع ارزشمند تاریخ و فرهنگ ایران به‌شمار می‌روند که نه تنها در بازسازی تاریخ مناطق مربوط به حوزه نگارش کتاب‌های مزبور از ارزش و اعتبار فراوانی برخوردارند، بلکه از منابع ارجمند تاریخ ملی و عمومی ایران نیز هستند. کتب مورد بررسی در مقاله حاضر هر کدام دارای اطلاعات ارزشمند و منحصربه‌فردی در زمینه تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و مذهبی مناطق مربوط به حوزه نگارش خود می‌باشند. پرداختن به جغرافیای تاریخی منطقه و یا شهر مورد نظر، معرفی ابنیه و اماکن تاریخی، توجه به آداب و رسوم و اعتقادات محلی از جمله اطلاعاتی است که در تاریخ‌های محلی بهتر می‌توان پی‌گیری نمود.

منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۸۰). *تاریخ و تاریخ‌نگاری در ایران*. تهران: نشر گستره.
- آقا بزرگ طهرانی، شیخ محسن (۱۴۰۳). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. ج ۳، ۱۱، بیروت: دارالاضواء.
- آقسرایبی، محمودبن محمد (۱۳۶۲). *مسامره‌الخبار و مسامره‌الاحبار یا تاریخ سلاجقه*. به‌اهتمام و تصحیح عثمان توران. تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمدبن حسن (۱۳۲۰). *تاریخ طبرستان*. به تصحیح عباس اقبال. تهران: کتابخانه خاور.
- ابن زرکوب، احمد (۱۳۵۰). *شیرازنامه*. به کوشش اسماعیل واعظ جوادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن‌فندق، علی بن زید (۱۳۶۱). *تاریخ بیهقی*. به تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار. تهران: انتشارات کتابفروشی فروغی.
- اسفزاری، معین‌الدین (۱۳۳۸). *روضات‌الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، با تصحیح و حواشی سید محمد کاظم امام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- باسورث، کلیفورد (۱۳۷۸). *تاریخ غزنویان*. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۳). *سبک‌شناسی*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- جعفری، جعفرین محمد (۱۳۳۳). *تاریخ یزد*، به اهتمام ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۷۵). *جغرافیای حافظ ابرو*، مقدمه و تصحیح صادق سجادی. تهران: انتشارات بنیان.
- حسینی یزدی، سید رکن‌الدین (۱۳۴۱). *جامع‌الخیرات*. به تصحیح محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار. تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۶). *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس.
- زرین کوب، عبد الحسین (۱۳۵۶). *تاریخ ایران بعد از اسلام*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سیف هروی، محمدبن یعقوب (۱۳۵۲). *تاریخ نامه هرات*. به تصحیح محمد زبیر الصدیقی. تهران: کتابفروشی خیام (افست).
- سیستانی، ملک‌شاه حسین (۱۳۴۴). *احیاءالملوک*. به اهتمام منوچهر ستوده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر

- کتاب.
- شیرازی، عیسی بن جنید (۱۳۶۴). *تذکره هزار مزار* (ترجمه). تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات ایران*. ج ۳/۲. تهران: انتشارات فردوس.
- کاتب، احمد بن حسین (۱۳۵۷). *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۵۶). *کاروند کسروی، تاریخ‌های طبرستان و یادداشت‌های ما*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ناشناس (۱۳۸۱). *تاریخ سیستان*. به تصحیح محمد تقی بهار. تهران: انتشارات معین.
- مینوی، مجتبی (۱۳۵۴). *نامه تنسر به گشنسب*. تهران: دانشگاه تهران.
- مقالات:**
- پرگاری، صالح (۱۳۸۰). «تاریخ طبرستان از عهد ساسانیان». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. س ۴. ش ۴۷-۴۶. ص ۳۷-۴۰.
- شعار، جعفر (۱۳۶۷). «آقسرائی»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. ج ۱، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- علاء‌الدینی، علیرضا (۱۳۸۰). «تاریخ‌نامه هرات». *دانشنامه جهان اسلام*. ج ۶، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- مصطفی، شاکر (۱۹۸۳). *التاریخ العربی و المورخین، الجزء الاول، الطبعة الثالثة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- میرحسینی، محمدحسن (۱۳۸۴). «نکته‌یابی از جامع‌الخیرات». *مجله فرهنگ*. ش ۵۶. ص ۱۸۴-۱۶۳.
- نورائی، مرتضی (۱۳۹۰). «جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی، تعاملات و تمایزات». *کتاب ماه*. ش ۱۶۳. ص ۷-۲.
- یارشاطر، احسان و دیگران (۱۳۷۷). *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*. ج ۳. قسمت ۲. تهران: امیرکبیر.
- Kammen, Carol (1937). *on doing local history*. american association for state and local history book series.